

آغاز فصل ششم سینما روایت با فیلم‌ساز



فصل ششم برنامه سینما روایت با نمایش و نقد و بررسی فیلم سینمایی «فیلساه» آغاز می‌شود. به گزارش «وطن‌امروز»، فصل ششم برنامه «سینما روایت» با نمایش و نقد و بررسی فیلم سینمایی «فیلساه» از یکشنبه (۳۱ تیرماه) آغاز می‌شود. این جلسه که صدویست‌وسومین برنامه از سلسله نشست‌های نقد و بررسی آثار تولید شده در سینمای ایران در قالب برنامه «سینما روایت» است، این بار پذیرای سازندگان انیمیشن سینمایی «فیلساه» خواهد بود. «فیلساه» پر فروش‌ترین انیمیشن تاریخ سینمای ایران است که تاکنون بیش از ۱۷۰۳۰۰ نسخه پخش شده و به دلیل استقبال گسترده مخاطبان همچنان در سینماها ادامه دارد. جلسه نمایش و نقد و بررسی این انیمیشن سینمایی روز یکشنبه ۳۱ تیرماه ساعت ۱۷:۳۰ با حضور دکتر سیدشیر حسینی، استاد دانشگاه صداوسیما به عنوان منتقد و کارشناس و هادی محمدیان کارگردان و حامد جعفری تهیه‌کننده «فیلساه» در مجموعه فرهنگی-هنری اسوه واقع در خیابان انقلاب، نبش خیابان بهار جنوبی برگزار می‌شود که ورود و حضور برای عموم علاقه‌مندان آزاد و رایگان است.

رویداد

جشنواره هنر مقاومت، دبیران ۳ بخش دیگر خود را شناخت



مسعود نجابتی، دبیرکل پنجمین جشنواره هنر مقاومت دبیران بخش‌های «تایپوگرافی»، «گرافیک متحرک» و «پرچم و کتیبه» این جشنواره را منصوب کرد. به گزارش روابط عمومی ستاد برگزاری پنجمین جشنواره هنر مقاومت، مسعود نجابتی، دبیرکل جشنواره هنر مقاومت طی احکامی جداگانه «سیدمهدی حسینی»، «عباس صائی» و «علی حیاتی» را به ترتیب به عنوان دبیران بخش‌های «تایپوگرافی»، «گرافیک متحرک» و «پرچم و کتیبه» این جشنواره منصوب کرد. گفتنی است هفته گذشته نیز انتصاب سیدمسعود شجاعی طباطبایی به عنوان دبیر اجرایی حسن روح‌الدین به عنوان دبیر بخش نقاشی دیجیتالی، محمدرضا دوست‌محمدی به عنوان دبیر بخش تصویرسازی و سیدمحمدرضامیری به عنوان دبیر بخش پوستر و تبلیغات شهری این جشنواره صورت گرفته بود. پنجمین جشنواره هنر مقاومت، توسط گروه هنرهای تجسمی بنیاد فرهنگی روایت فتح و در ۱۰ بخش «پوستر و تبلیغات شهری»، «کارتون و کاریکاتور»، «تصویرسازی»، «طراحی صنعتی»، «پرچم و کتیبه»، «تایپوگرافی»، «گرافیک متحرک» و «گرافیک متحرک»، «نقاشی دیجیتالی»، «عکس» و بخش ویژه «علمی-پژوهشی» دی‌ماه سال جاری در تهران برگزار خواهد شد.

تلویزیون

علیرضا فغانی ممنوع‌التصویر نیست



مدیر شبکه ورزش سینما درباره اینکه چرا دوربین‌های شان بازگشت علیرضا فغانی، داور بین‌المللی فوتبال را ثبت و زنده پخش نکرد است، بیان کرد: ما دوشنبه شب ۲۵ تیرماه در برنامه «فصل داغ فوتبال» به طور مفصل حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه کلیپ و گزارشی از فغانی پخش کردیم. به گزارش مهر، احسان شیعیه در ادامه اظهار داشت: همچنین گفتگوی با وی انجام شده که آن‌شالله پخش می‌شود و بزودی به صورت حضوری هم او را دعوت می‌کنیم. مدیر شبکه ورزش سیما بیان کرد: فکر می‌کنم در طول روزهایی که فغانی در روسیه حضور داشت، شبکه ورزش بیشترین پوشش خبری را از این حضور داشت و بیشترین گفت‌وگو را با وی انجام دادیم. شیعیه در پایان عنوان کرد: شائبه وجود ندارد و او ممنوع‌التصویر نیست. فغانی افتخار کشور ما است و ما هم حضور وی در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۸ را بخوبی پوشش دادیم. علیرضا فغانی داور فوتبال نامداد سه‌شنبه ۲۶ تیرماه از روسیه به ایران بازگشت.

نگاهی به کتاب شعر «لیلی آذر» اثر اعظم سعادت‌مند که بتازگی برنده جایزه ادبی پروین اعتصامی شد

عاشقانه‌هایی دلنشین از کجاوه شیرین



نیلوفر بختیاری: پیش از آنکه مجموعه «لیلی آذر» را ورق بزنم و قصد خواندن داشته باشم، با پیش‌فرض‌هایی مواجه بودم. می‌دانستم شاعر این مجموعه پیش از این نیز مجموعه اشعاری منتشر کرده و از بانوی شاعری که در آستانه ۴۰ سالگی است اشعار پخته‌ای انتظار داشتم. ۴۱ غزل پیش رویم بود و البته طرح جلدی زنده و عنوانی زنده‌تر: «لیلی آذر». عنوان کتاب خیلی جذیب کرد. کتاب را گوشدم و غزل نخست اینگونه آغاز شد:

کنار بوته اسفند و بادهای بهار
چه قدر بوی خوشی داشت شنبه‌های قرار
چه قدر در نظرم بی‌دلیل زیبا بود
حضور شاپرک لابه‌لای بوته خار»
و حالا که همه غزل‌ها را خوانده‌ام می‌توانم

خود را با او مطرح می‌کند تا باب این گفت‌وگو باز شود:

«دوست داری چند خط از سرنوشتم را بخوانی؟ صبر کن اندازه نوشیدن یک قهوه با هم»
«چرا فصل جالبی‌هازمستان است، می‌فهمی؟ باز هم تا می‌کنی پیران مهمانی خود را؟»
به هنگام خواندن این اشعار تأثیر ۲ شاعر را احساس کردم. اول فروغ فرخزاد که پیداست شاعر تعلق خاطری به او دارد و گاه نیز با اشارات تلمیحی کم‌رنگ از این علاقه خود به مضامین شعر فروغ، یاد می‌کند و تلمیحات هنرمندانه می‌آفریند:

«باد می‌آید، می‌برد با خود صدایم را
برف می‌بارد تا نبینی رد پایم را
خشک خواهد شد شاخه شاخه دست‌های من
می‌برد آذر آخرین سبزه قیابیم را»
یا این بیت‌ها که یادآور برخی عناصر شعرهای «تولدای دیگر» و «ایمان بیابوریم به آغاز فصل سرد» است. عناصری چون پری، اقیانوس، شقایق و:—

—دوست دارم حس کنم در عمق اقیانوس‌ها
لاجوردی کن سکوت سقف‌های خانه را»
من پری‌دریایی‌ام اما که باور می‌کنند؟
این دروغ شاخدار، این قصه، این افسانه را!
و انس و الفت شاعر با شعر حسین منزوی در برخی غزل‌های مستحکم این مجموعه پیداست. در ابیات پیش رو نیز شاعر با اشارات تلمیحی خلاصانه، این تعلق خاطر را نشان داده است:

«میاد پیرا آخر این داستان چه شد؟
تقدیر پنجه‌های پلنگ جوان چه شد؟
پیچیده در سراسر شب بوی سوختن
تکلیف ماه و مزرعه‌های کتان چه شد؟»
در پایان باید بگویم ابیاتی در این مجموعه هستند که در عین سادگی حتی سختگیرترین مخاطبان شعر را نیز از آن خود می‌کنند. ابیاتی از جنس بیت پیش رو:

«یا با به استدلال خشک چتر می‌خندی؟
و دوست داری راه رفتن زیر باران را»
و مگر یک مخاطب، حتی از نوع خاصش، از شعر امروز چه می‌خواهد جز خواندن و از بر کردن چنین ابیاتی که عصاره زندگی هستند؟ خواندن مجموعه شعر «لیلی آذر» را به کسانی که نسبت به شعر زنان و پویایی و زبانی مضامین آن نامیدند، توصیه می‌کنم.

«یک دختر خجالتی هفت ساله است این زن که می‌رود به سوی انتهای روز» نگاه زنده شاعر سبب شده به زیبایی به بیان جزئیات بپردازد. لطافت خیال و ارائه تصاویر برجسته و بکر از دیگر تأثیرات این نگاه زنده است؛ چیزی که به شعرهای مجموعه «لیلی آذر» حس و حالی ویژه و آهنگی خاص بخشیده است. بی‌شک صدای تمیز شدن فنجان‌ها در حوض را یک زن شاعر پایبند به سنت‌ها می‌تواند برساند. شنیدن این صدا در غزل او برای من مخاطب لذتبخش بود. منی که وقتی کلمه فنجان را در غزلی می‌شنوم بی‌گمان منتظر واژه قهوه و یکسری مضامین تکراری هستم اما او سروده است: «به عشق مزده یک فال خوب را می‌داد میان حوض، صدای تمیز فنجان‌ها»
و مثلاً وقتی می‌بینم شاعر تخلص خود را به این ظرافت در بیتی بیان کرده است به ذوق می‌آیم: «اگر به کشور خود باز آمدی، ای شاه! همان کسی که منم، صدراعظم است هنوز»
گاه شاعر ساده‌ترین موضوعات را به زیباترین شکل بیان می‌کند، مثلاً وقتی می‌خواهد بگوید صدای زدم و پاسخ نداد چون شاید او عشق حقیقی من نبود، می‌گوید:

«در به در عمری صدایش کردم و پاسخ نداد
دارد آیا عشق غیر از عشق نام دیگری؟»
عشقی که در این مجموعه از آن سخن به میان می‌آید عشقی است دارای اصالت. برای همین است که در عاشقانه‌های این مجموعه به اصل عشق مواجهم و احساسات‌زودگذر جایگاهی در این اشعار ندارند:

«دیوانه آن تابلوام، آن که نوشتی
بر کاغذ پی‌حاشیه‌ای عشق، بیایی»
پیش از نیمی از غزل‌های «لیلی آذر» بدون ردیف

هستند و تنها با تکیه بر قافیه‌ها سروده شده‌اند. اصولاً سرودن چنین غزل‌هایی به دلیل آنکه از موسیقی ردیف بی‌بهره‌اند نیاز به چیره‌دستی خاصی دارد که خوشبختانه شاعر بخوبی از پس این دسته اشعار برآمده است. قافیه‌های اشعار نیز با آنکه گاه تازه و غیرمعمولند در هر بیت خوش نشستند. مثلاً در غزلی با قافیه‌های معمول بهار، قرار و یار، کمتر انتظار می‌رود قافیه‌هایی چون دوچرخه‌سوار، رب انار و آب‌انبار اینقدر با هماهنگی کنار سایر قافیه‌ها قرار بگیرند و برجسته و غیرطبیعی جلوه نکنند.

«جگاست روشنی آن چراغ بغدادی؟
چه می‌سازم از آن شام بی‌ستاره به یار
چه مانده است از آن روزهای دار و درخت؟
به غیر سفره پاییز و طعم رب انار»
در غزل‌های این مجموعه حس و حال زندگی دهه ۶۰ و دوران کودکی شاعر جاری است. حسی که فضایی دلنشین به اشعار داده و تداعی‌گر دلبستگی‌های معنوی وی است:

«باید که عطرش بماند در خاطرت تا همیشه
بنویس امشب شکسته صد بار از روی گل‌دان
حتی چهل سال دیگر حس کن که ده ساله هستی
نم‌نم بخوان تا که هستی، باران و باران و باران»
«ها من قدم بزین دهه شصت شهر را
چل‌تکه‌های کودکی‌ام را به هم بدوز
یک دختر خجالتی هفت‌ساله است
این زن که می‌رود به سوی انتهای روز»
طرح سوال و ایجاد حالت گفت‌وگو از دیگر تکنیک‌هایی است که شاعر این مجموعه به آن توجه نشان داده است. غزل‌هایی که تنها بهانه‌ای برای بروز احساسات شخصی نیستند، بلکه پیداست شاعر با مخاطب خود میل گفت‌وگو دارد و سوالات

درباره فیلم سینمایی «به وقت خماری» ساخته محمدحسین لطیفی

غافلگیرکننده معمولی



زمان بسیار زیادی به معرفی فضا و آدم‌ها (تقریباً تا ورود خواستگار) و در عمل شروع بسیار دیرهنگام ماجرای اصلی فیلم می‌شود و ثانیاً توانایی‌های بالقوه برق‌نورد هم در کنار چهره‌هایی مثل مهدی فخیم‌زاده و ابوالفضل پورعرب و اختصاص بخش قابل توجهی از فیلم به آنها (با توجه به اینکه شخصیت‌های نسبتاً مهم‌تری هستند) و همچنین به خاطر شوخی‌های نسبتاً خنکی که برای شروع فیلم نوشته شده (دستشویی سایه آن فرض می‌کردیم، یعنی فیلمی که مهم‌ترین به عنوان معنادار تا تکه کلام «یا بهروز و توفی»، اشاره به آن گلخانه نامتعارف با «لا یا ایها الساقی» و.) تقریباً از دست رفته و مهم‌تر اینکه با بازیگران دیگر هم جبران نشده و عملاً آنها هم در همان موقعیت برق‌نوردند. اما با ورود خواستگار، یعنی بعد از زمانی که دیگر پذیرفته می‌کند باید حدود یک ساعت دیگر یک کمدی بی‌مزه را تحمل کنیم، فیلم دوباره تغییر جهت می‌دهد. با ورود خواستگار که پلیس است و پدر بزرگش که روحانی است، «به وقت

است که انگار آن وجه نامطلوب مشترک فیلم‌های ایرانی که کارگردان خوبی در کنترلش موفق بوده، به شکل افسارگسیخته‌ای بیرون می‌زند: ساقی ماجرا از اینکه کسی در کش نکرده می‌گوید، دیگری از اینکه با دیدن دخترش متحول شده حرف می‌زند و در مجموع، اعضای خانواده از رفتاری که در قبال مادرشان در پیش گرفتند، پشیمان می‌شوند و تازه فیلم به همین مقدار هم رضایت نمی‌دهد و برای اینکه مبادا چیزی از قلم افتاده باشد، از صحنی که خواستگار پلیس برای دختر خانواده فرستاده رونمایی می‌کند که تمام نتیجه‌گیری‌های فیلم را روی تیتراژ پایانی برای مخاطب بازگو کند و هیچ نکته ناگفته‌ای را باقی نگذارد. با این فرض که هیچ سوالی در هیچ زمینه‌ای برای مخاطبش باقی نماند، در حالی که همین روشی که فیلم در مجموع در پیش گرفته، سوال‌هایی ایجاد می‌کند که واقعاً جوابی ندارند و براحتی می‌توانستند اصلاً مطرح نشوند: چرا فیلمی که در بعضی از لحظات از جسارتی تحسین‌برانگیز بهره برده در بعضی ابعاد دیگر تا این حد به دام تیپ‌سازی‌های کهنه افتاده؟ و چرا با جمع‌بندی کمپسولی تمام آنچه در طول فیلم فهمیده بودیم، سطح آن را چندین پله تنزل داد؛ و در حالی که از تمام فرصت‌هایش برای معمولی نبودن استفاده کرده، چرا تمام آنها را در جای دیگری به یاد داده است؟

طی مراسمی با حضور تولیت آستان قدس رضوی انجام شد

اعطای جایزه جهانی گوهرشاد به بانوی نیکوکار

اندروزگو، زنی که سال‌ها در مبارزات کنار همسرش فعال بود، نجمه کربلایی‌نوروز (کارآفرین برگزیده و خیر و امدادرسان به محرومان) و لیلی‌اندی‌صفهانی (مدیر مرکز بانوان آفتاب و فعال در رسیدگی به بیماران مزمن) و امیر فرهنگی) بانوان ایرانی و جومای احمد کاروفی از نجره (مادر ۵ شهید فاجعه زاریا، دارا کات تیا و تایلند خیر) در رسیدگی به کودکان و مدرسه‌ساز، خیرین الهیای ماماکیکه از تانزانیا/آموزش به کودکان و فریخته ایرانی و ۴ بانوی خراسی به عنوان برگزیده‌های سومین دوره این جایزه تجلیل شد. «لیلیک یازهر» در لندن، بانوان بین‌المللی تقدیر شده در این مراسم بودند.

۴ بانوی ایرانی به همراه بانوانی از نیجریه، تایلند، تانزانیا و انگلستان به عنوان برگزیدگان سومین دوره جایزه جهانی «گوهرشاد» معرفی و تقدیر شدند. به گزارش «وطن‌امروز»، آیین اختتامیه سومین دوره جایزه جهانی گوهرشاد با حضور حجت‌الاسلام رئیسی، تولیت آستان قدس رضوی در تالار قدس کتابخانه حرم امام رضاع) برگزار شد. در این همایش از ۴ بانوی فریخته ایرانی و ۴ بانوی خراسی به عنوان برگزیده‌های سومین دوره این جایزه تجلیل شد. «لیلیک یازهر» در لندن، بانوان بین‌المللی تقدیر شده در این مراسم بودند.



خبر

۴ بانوی ایرانی به همراه بانوانی از نیجریه، تایلند، تانزانیا و انگلستان به عنوان برگزیدگان سومین دوره جایزه جهانی «گوهرشاد» معرفی و تقدیر شدند. به گزارش «وطن‌امروز»، آیین اختتامیه سومین دوره جایزه جهانی گوهرشاد با حضور حجت‌الاسلام رئیسی، تولیت آستان قدس رضوی در تالار قدس کتابخانه حرم امام رضاع) برگزار شد. در این همایش از ۴ بانوی فریخته ایرانی و ۴ بانوی خراسی به عنوان برگزیده‌های سومین دوره این جایزه تجلیل شد. «لیلیک یازهر» در لندن، بانوان بین‌المللی تقدیر شده در این مراسم بودند.

یادم

- فاطمه عبدالوند

بدون تو
پای تقویم دیروزهایم
خزان کشیده‌ام
کنار تو نباشم
چه فرقی می‌کند
کجا و کدام فصلم؟
چه حالی‌ست این روزها
روزمرگی نه
مرگ تمدیدی می‌کند روزگار
اما! سراغ تو رفتن هم
مرا، دوا نیست
وقتی این باهای بی‌جان
جایی ندارد کنارت
باور می‌کنی دلتنگم؟
گاهی برای تمام نرسیدن‌ها
تمام عشق‌ها که خط آخرشان فراق شد
گاهی با تمام وجودم
دل‌م می‌سوزد، برای تنهایی
که مرا دارد
و گهگاهی زبر لب
با ته مانده امیدم
که شاید
به کوچکی زده نیمرومی مانده‌ای‌ست
که میلی به خوردنش ندارم
دل‌م بدجور تشنه آمدنت می‌شود
که اگر بیایی
در فقر را گل می‌گیری؟
پاس می‌شود، چک آرزوی فقرا؟
هوس، گورش را گم می‌کند؟
همه جامروت، گل می‌کند؟
در عمق این ناپاکی‌ها
زائو من و من و می‌گویم
بیا حکم مرا جاری کن
میان تمام منتظرانت
شاید، دیگر کوفه تکرار نشد و طلحه‌ها بار
ببندند و بروند هر جایی
غیر از شهری که ظهور کرده‌ای
تا بوی تعفن نفاق‌شان
آلوده نکند دل‌ها را بدون تو
حتی قلم هم جان ندارد
و زندگی، از ابتدا
پایان است...
باور کن

مستند

نشست سوز‌هایی مستند

در حوزه هنری

دومین دوره از نشست‌های سوز‌هایی مستند با موضوع «برسی اتفاقات دهه پنجاه و شصت» در سالن اوستای حوزه هنری برگزار خواهد شد. به گزارش روابط عمومی مرکز مستند سوسره، در این فصل از کارگاه دکتر یعقوب توکلی، مورخ و استاد دانشگاه طی ۱۰ جلسه ساعت ۱۷ روزهای یکشنبه و دوشنبه هر هفته به مباحث تاریخی دهه پنجاه و شصت می‌پردازد. گفتنی است، این نشست‌های سوز‌هایی ذیل عنوان مجموعه‌ای به نام «روزی روزگاری» به تاریخ ایران در دوره‌های مختلف و حساس کشور خواهد پرداخت.

کتاب

«ماه‌نشین» منتشر شد

با وجود اینکه بسیاری از نویسندگان ایرانی توانایی خود در قصه‌گویی را در آثار داستانی بلند و رمان طبع آزمایی کرده‌اند اما بسیاری از آنها نیز در کنار این طبع آزمایی، داستان کوتاه را مهم‌ترین مجال و فرصت برای نمایش و بازگویی ایده‌ها و ایده‌آل‌های خود برای جهان زیستی خود و نیز فرصتی برای طبع آزمایی تکنیکی در نوشتن می‌پندارند. مجموعه داستان «ماه‌نشین» اثر مجتبی نیک‌سرشت نیز از همین منظر قابل تأمل می‌نماید. نویسنده‌ای جوان که هم فرم را خوب می‌شناسد و هم زبانی به‌قاعده و رشدیافته دارد و هم نگاهی تیزبین و خاص برای یافتن موضوعاتی که خود بستر روایت نغدغه‌هایش باشد. «ماه‌نشین» بیش از هر چیز قصه شخصیت‌هاست، روایت درون آدم‌ها، بازگویی آنچه در دل و جان قهرمان‌ها می‌گذرد. نیک‌سرشت با وسواسی مثال‌زدنی به عمق روان شخصیت‌هایش می‌رود و چنان اسرار خاص و یکتایی را بیرون می‌کشد که مخاطب بیش از آنکه مقهور حادثه‌ها باشد متأثر از درک روان آدم‌هاست. آدم‌هایی که بسیار به مخاطب نزدیکند و قابل رصد در جامعه پیرامون. انتشارات کتاب نیستان مجموعه داستان «ماه‌نشین» را در ۹۶ صفحه با قیمت ۸ هزار تومان منتشر کرده است.

